

تبیین ساختارهای اجتماعی جامعه عصر آهن گورستان مسجد کبود تبریز

علیرضا هژبری‌نوبری^I، حسین ناصری صومعه^{II}،
فاطمه مختاری پور^{III}، بهزاد مهدی زاده^{IV}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2020.19620.1978
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵
نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۷-۱۱۸

چکیده

I. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hejebri@modares.ac.ir
II. دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
III. دانش‌آموخته باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
IV. دانش‌آموخته باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

باستان‌شناسی اجتماعی، شاخه‌ای از باستان‌شناسی است که داده‌ها را از منظر جامعه‌شناسی مورد بحث قرار داده و ساختار اجتماعی، رفتار اجتماعی و روند تکامل جوامع گذشته را مطالعه می‌کند؛ این شاخه، هم‌چنین به تحلیل و تفسیر نظام‌های اجتماعی گذشته براساس بقایای مادی برجای مانده از آن‌ها می‌پردازد. در مورد گورستان‌ها این گرایش باستان‌شناسی، مجال بحث بیشتری دارد؛ چراکه گورستان‌ها به نوعی آینه تمام‌نمای عصر خود هستند. در عصر آهن به دلیل رواج تدفین گورستانی در اکثر مناطق ایران، بحث‌های مربوط به نوع اجتماع، اعتقادات و مذهب مردمان آن عصر نیز قوت می‌گیرد. در این گورستان‌ها، ساختار چینش قبور و اشیاء درون آن‌ها دارای مفاهیم و نمادهایی است که می‌تواند بخشی از ابهامات موجود درخصوص فرهنگ مردمان عصر آهن را برطرف کند. گورستان عصر آهن مسجد کبود (با نام محلی «گۆی مجید»)، یکی از مهم‌ترین این گورستان‌هاست که داده‌های مطالعاتی این پژوهش بر کاوش‌های این گورستان استوار است. این محوطه برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ ه.ش. توسط معتمدی و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ ه.ش. به مدت چهار فصل توسط نگارنده اول، مورد کاوش قرار گرفت و در مجموع ۱۰۸ گور طی این کاوش‌ها مطالعه شده است. پرسش‌های پژوهش عبارتند از: نشانه‌های وجود رتبه‌بندی یا طبقات اجتماعی در گورستان عصر آهنی مسجد کبود تبریز چیست؟ فرضیه مطرح شده این است که تفاوت در ساختار معماری قبور از نظر فرم و مصالح، تنوع و تعدد اشیاء و نحوه چیدمان آن‌ها در داخل گور از نشانه‌های موجود جهت طبقه‌بندی نسبی رتبه‌های اجتماعی در این گورستان است. در این پژوهش، تلاش گردیده با توجه به تنوع ساختاری قبور در فرم و مصالح و هم‌چنین اشیاء تدفینی به مطالعه تمایزات اجتماعی افراد دفن شده، پرداخته شود. مقایسه ساختار و گورآوندهای قبور نشان می‌دهد، با توجه به این‌که در کنار اجساد برخی از قبور از اشیاء تدفینی شأن‌زا و هم‌چنین اشیاء تدفینی ساده استفاده شده درحالی‌که در برخی از قبور هیچ شیئی قرار داده نشده و حتی گاه، سازه‌ای برای آن‌ها تعبیه نشده است؛ لذا می‌توان بر این اساس به رتبه‌بندی نسبی موقعیت اجتماعی اجساد پرداخت و یا به معیارهایی که برای تعیین رتبه افراد در زمان زندگی به‌کار می‌رفته‌اند، اشاره کرد.

کلیدواژگان: عصر آهن، گورستان مسجد کبود، مفاهیم و نمادها، رتبه‌بندی اجتماعی.

مقدمه

در بازه زمانی بین قرن ۱۵ تا قرن ۸ پ. م. کشف، استخراج و فرآوری فلز آهن موجبات پیشرفت همه‌جانبه انسان‌های ساکن در فلات ایران و به خصوص شمال غرب ایران را فراهم آورده بود. عصر آهن در ایران به دلیل مهاجرت‌های مختلف، شکل‌گیری حکومت‌های متمرکز و نیمه‌متمرکز، استفاده از فلز آهن، تغییر چشمگیر در ارتباطات و مواردی دیگر یکی از دوره‌های مهم و سؤال برانگیز در باستان‌شناسی است. گورستان‌های عصر آهن، یکی از مکان‌هایی است که می‌توان بسیاری از این تغییرات و تحولات فرهنگی را مشاهده نمود. مهم‌ترین تحولات عصر آهن عبارتند از: ۱- رشد جمعیت و تشکیل دولت‌های محلی و ملی، ۲- پیشرفت تکنولوژی در زمینه ابزارهای کشاورزی و صنایع، ۳- رشد کشاورزی و دامداری، ۴- گسترش اشکال معماری و احداث بناهای حکومتی و عمومی، ۵- گسترش ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و تهاجمات نظامی (ملازاده، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

در زمینه تغییرات روی داده در خصوص شیوه تدفین‌ها، تغییر اصلی جایگزینی گورستان عمومی به جای تدفین خانه‌ای است (طلایی، ۱۳۸۷: ۳۶). گاهی مفهوم «کپسول زمان» را برای گورستان‌ها نیز می‌توان تعمیم داد؛ زیرا اغلب مردگان و دفن‌شده‌گان در یک گورستان باستانی در یک دوره زمانی خاص به خاک سپرده شده‌اند. آموزنده‌ترین و ناب‌ترین مقابر برای باستان‌شناسان قبوری است که درون آن اسکلت انسانی با لباس کامل به همراه اشیاء داخل قبر و وسایل شخصی، مانند نذورات و اشیائی که مرده با خود به زندگی پس از مرگ می‌برد، وجود داشته باشد. این موارد ممکن است جنسیت، وضعیت اجتماعی^۱ و افکار مذهبی متوفی را نشان دهد و یا به گاهنگاری تدفین کمک کند. کاوش در گورستان‌های باستانی به دلیل شرایط حساس اسکلت‌ها و نوع خاک، مستلزم مستندسازی دقیق است تا بتوان نتایج موردنظر را از درون گور به دست آورد (گرین، ۱۳۸۳: ۱۶۰). مدارک تدفینی و به‌ویژه استخوان‌ها، همواره به عنوان اطلاعات مکمل برای مواد فرهنگی انسان‌شناختی، اقلیم‌شناختی، زیست‌شناسی، آسیب‌شناسی، آداب و رسوم، الگوهای استقرار، کشاورزی، منابع مواد خام، سالیابی و دیگر آثار فرهنگی هستند (سوین، ۱۳۸۸: ۵۲). هم‌چنین مدارک تدفینی می‌توانند مدارک لازم برای مطالعه طبقه‌بندی اجتماعی را فراهم آورند و اشیاء نمادین در قبور به این امر کمک زیادی می‌کند. در این زمینه، «فاگان» به نقل از «براون»^۲ بیان می‌کند که متغیرهایی چون: سن، جنسیت، توانایی‌های اجتماعی فردی، شخصیت و نحوه مرگ بر نحوه خاکسپاری افراد مؤثر است (فاگان، ۱۳۸۱: ۶۳۸).

در طول تاریخ انسان اجتماعی شده، افراد یک اجتماع، همواره در پایگاه‌های اجتماعی با هم اختلاف داشته‌اند؛ از این رو نقش‌های اجتماعی و موقعیت‌های آن‌ها در اجتماع نیز متفاوت بوده است. یکی از راه‌های شناخت موقعیت‌های اجتماعی افراد بررسی بقایای فیزیکی انسان از جمله اسکلت و وسایل دفن‌شده همراه اوست. هدف از این پژوهش بازسازی بخش‌هایی از ساختار اجتماعی مردمان عصر آهن براساس اشیاء گورها یا همان گورآوندها است. توجه به این جنبه

از گورستان‌های عصر آهن از آن جهت مهم است که می‌توان آن را به‌عنوان یک نمونه آماری از جامعه آن عصر در نظر گرفت و در این چارچوب گورستان‌ها ظرفیت زیادی را برای مطالعات جامعه‌شناسانه دارا می‌باشند. در این پژوهش، سعی شده که داده‌های حاصل از کاوش گورستان عصر آهن مسجد کبود تبریز در بستر مفاهیم جامعه‌شناسی و در پیوند با واقعیت‌های تاریخی موجود در این برهه از زمان (عصر آهن) در شمال غرب ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

پرسش و فرضیات پژوهش: این پژوهش با هدف تحلیل الگوهای تدفین در گورستان مسجد کبود تبریز، درصد پاسخ‌گویی بر این پرسش است که، نشانه‌های وجود رتبه‌بندی یا طبقات اجتماعی در گورستان عصر آهنی مسجد کبود تبریز چیست؟ فرضیه مطرح شده در رابطه پرسش فوق این است که تفاوت در ساختار معماری قبور از نظر فرم و مصالح، تنوع و تعدد اشیاء و نحوه چیدمان آن‌ها در داخل گور از نشانه‌های موجود جهت طبقه‌بندی نسبی رتبه‌های اجتماعی در این گورستان است.

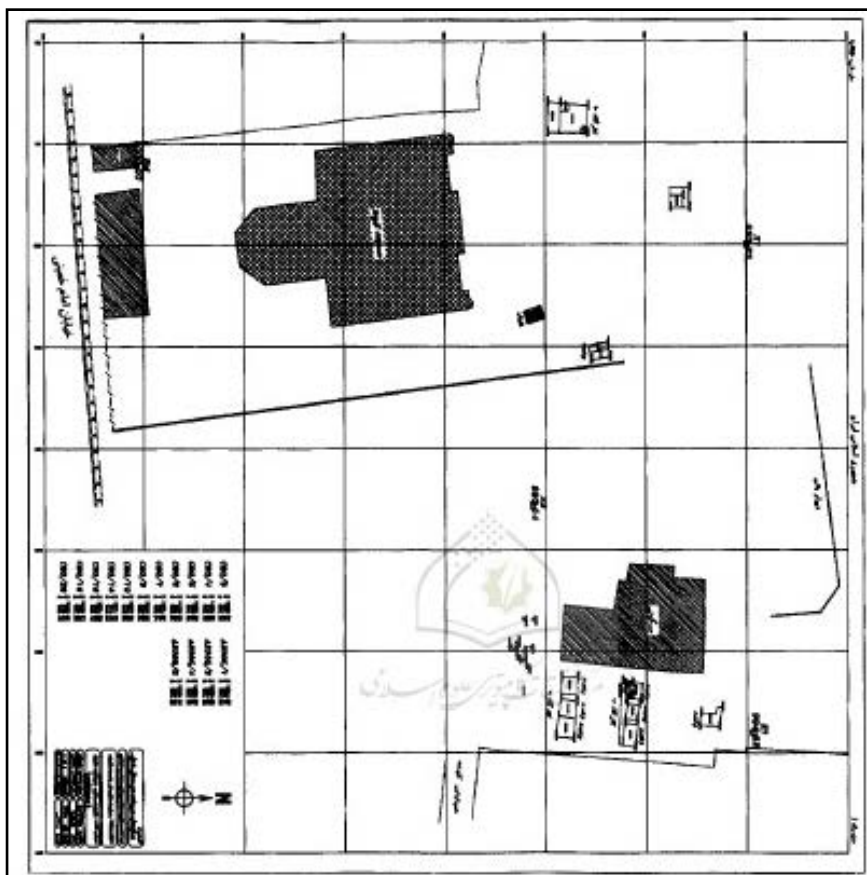
روش پژوهش: روش تحقیق، در وهله اول به صورت میدانی بوده؛ و در وهله دوم تلاش گردیده با استناد به داده‌های جمع‌آوری و مستندنگاری شده از مرحله اول و هم‌چنین منابع کتابخانه‌ای، مجموعه را با روش توصیفی - آماری مطالعه نموده و سپس با رویکرد باستان‌شناسی اجتماعی به پاسخ پرسش پژوهش که تعریف طبقات اجتماعی گورستان مسجد کبود است، پرداخته شود.

گورستان مسجد کبود تبریز

گورستان عصر آهن تبریز در بافت قدیمی شهر تبریز یکی از محوطه‌های مربوط به فرهنگ عصر آهن است که در سال ۱۳۷۶ ه.ش. به صورت اتفاقی و در پی فعالیت‌های ساختمان‌سازی شناسایی شد. این محوطه در شمال خیابان امام خمینی و در شمال شرق بنای مسجد کبود (شکل ۱ و ۲)، زیر چندین متر رسوبات قرار گرفته است (هژبری نوبری، ۱۳۸۶: ۳۱). مساحت این محوطه حدوداً ۲۸،۲۹۰ متر مربع (سه هکتار) است. به لحاظ گاهنگاری در تمامی قسمت‌های کاوش شده پس از برداشت لایه سطحی بلافاصله سفال‌های مربوط به دوره‌های قاجار، صفوی، تیموری، ایلخانی و سلجوقی به صورت بسیار مضطرب به دست آمده است. علت چنین اضطرابی را که سبب عدم تشخیص قطعی لایه‌های دوران اسلامی شده، می‌توان وقوع زمین‌لرزه‌های متعدد و حفر چاه‌های فاضلاب دانست (هژبری نوبری، ۱۳۸۲). هم‌چنین قسمت عمده بقایای گورستان عصر آهن مسجد کبود توسط ماشین‌های سنگین خاکبرداری موجب تخریب این قبرستان شده است. در مجموع تعداد ۱۰۸ گور از این گورستان کاوش شده است. از بررسی ساختار و وضعیت اشیاء قبور می‌توان نتیجه گرفت که در شیوه‌های تدفین قبور، عوامل مختلفی نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تحول سنت‌های تدفین در دوره‌های مختلف، سن افراد، جنسیت، موقعیت اجتماعی افراد و... به لحاظ سازه‌ای و معماری گورها به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱- قبور ساده چاله‌ای شکل ۲- قبور



شکل ۱. موقعیت گورستان نسبت به بنای مسجد کبود (Google Earth).



شکل ۲. موقعیت گورستان نسبت به بنای مسجد کبود (هژبری نوبری و صالحی گروسی، ۱۳۸۴: ۳۲).

با سازه نعل اسبی شکل (از جنس: سنگ، خشت و چینه). ۳- قبور با سازه خشتی که مختص کودکان بوده (هژبری نوبری، ۱۳۸۰: ۵). ساختار قبور و شیوه چینش سنگ‌ها شبیه قبور عصر آهن دینخواه تپه است، به خصوص قبور شماره ۱۷، ۱۰ و ۹ در دینخواه به شکل U شکل ایجاد شده‌اند و در قبور مسجد کبود نیز این مسأله قابل رؤیت است (Muscarella, 1974: 36). اجساد به صورت جنینی/چمباتمه‌ای،

طاق باز و نامشخص (به دلایلی مانند تخریبیات و غیره) دفن شده‌اند و بدن و صورت اجساد در جهات مختلفی قرار دارند. جهت قبور نیز عموماً شرقی-غربی است (۵۵ قبر) که به دلیل دو جهت طلوع و غروب خورشید مورد توجه بوده است. کودکان عموماً بدون هدایا دفن شده‌اند و در گورهای مربع‌شکل خشتی قرار دارند. ظروف کامل، تعداد ۱۳۸ ظرف را شامل می‌شود که عمده آن‌ها همراه اسکلت‌ها شناسایی شده‌اند. ظروف کامل از نظر شکل شاخص در چهار گروه جای دارند: ۱- ظروف پایه‌دار شاخص حسنلوی IV. ۲- کاسه‌های دارای زاویه در بدنه مشابه حسنلوی IV. ۳- سفال‌هایی با پوشش قرمز رنگ آخرایی با شکل بشقاب و آبریز. ۴- ظروف لوله‌دار خاکستری. بسیاری از آثار قبور مسجد کبود، به خصوص اشیاء مربوط به جنگاوری یا شکار با آثار به دست آمده در محوطه حسنلو و دینخواه تپه مشابهت دارند؛ برای مثال، خنجر و شمشیرهای فلزی یافت شده در مسجد کبود با نمونه حسنلو قرابت هنری دارد. نمونه حسنلو مربوط به قرن ۹ پ. م. است که با دوره آهن II مطابقت می‌کند (Muscarella, 1989: 27).

در خصوص گاهنگاری آثار متعلق به عصر آهن با توجه به این‌که سفال خاکستری براق مشخصه عصر آهن I در شمال غرب ایران است و در امتداد دامنه‌های جنوبی کوه‌های البرز گسترده شده است (Young, 1965)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که براساس نتایج گاهنگاری فصل دوم کاوش، آثاری قدیمی‌تر از ۱۴۵۰ پ. م. رانمی‌توان مشاهده کرد که عصر آهن I را دربر می‌گیرد (همان: ۷)؛ از طرفی، از آنجایی که ظروف با لوله پیوسته به لبه و نیز ناپیوسته، هم‌زمان از یک قبر به دست آمده، لذا به نظر می‌رسد گاهنگاری مقایسه‌ای آن‌را به طور نسبی در اواخر عصر آهن I و اوایل آهن II (دوره گذار) منطبق دانست.

مبانی نظری پژوهش

باستان‌شناسی اجتماعی، شاخه‌ای از باستان‌شناسی تعریف می‌شود که به مطالعه ساختار و سازمان اجتماعی جوامع گذشته و روند تکامل آن‌ها می‌پردازد. باستان‌شناسی، دانشی اجتماعی است و آثار باستانی، بازمانده رفتار اجتماعی گذشتگان است که در بطن جامعه صورت گرفته است (Shanks & Tilley, 1987: 116). در باستان‌شناسی اجتماعی به بررسی چگونگی شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و سیاسی از واحدهای پایه چون قبیله و گروه پرداخته می‌شود. گروه‌ها و طبقات اجتماعی با توجه به: سن، نوع طبقه، جنس، ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی، برخوردها و رفتارهای متفاوتی ارائه خواهند داد که این رفتارها در جریان فرآیند تکاملی جامعه دستخوش تغییراتی خواهد شد (Grant & et al., 2002: 236). به عقیده «چارلز ردمن» (Redman, 1978) باستان‌شناسی اجتماعی تحلیل و تفسیر نظام‌های اجتماعی گذشته براساس بقایای مادی برجای مانده از آن‌هاست. بحث باستان‌شناسی اجتماعی از دهه ۵۰ قرن ۲۰ م. شروع شد که از نظریه پردازان آن می‌توان به «چاپلید» (۱۹۴۹)، «گراهام کلارک» (۱۹۳۰) و «بینفورد» (۱۹۶۹) اشاره کرد؛ این افراد بر این عقیده‌اند که تمامی دستاوردهای مادی و معنوی انسان در محیط

اجتماعی او پدید آمده‌اند، بنابراین آثار فرهنگی انسان نیز باید در بستر اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند (آجرلو، ۱۳۸۲: ۱۸)؛ از جمله نظریات مطرح در این زمینه، «نظریه انتشار» است که توسط افرادی چون: کلارک، «هاکز» و «پیگت» مطرح شد (دارک، ۱۳۷۹). پایه و اساس نظریات مطرح در باستان‌شناسی اجتماعی نیز از علوم اجتماعی و رفتاری گرفته شده که بیشتر بر پایه اصول انسان‌شناسی هستند (شیفر، ۱۳۸۵: ۱). «تریگر» نیز بر این عقیده است که اشتراکات میان فرهنگی در جریات تکامل اجتماعی به وجود می‌آیند. جوامعی که از نظر تکامل اجتماعی هم‌ترازند، با مسائل مشابهی در حیطه نمادشناسی و باورهای اعتقادی روبه‌رو هستند؛ بنابراین اشتراکات ایدئولوژیکی موجب تولید فرهنگ مشابه می‌شود (Trigger, 2007: 46). «یان هادر» توجه به بستر اجتماعی خلق ماده را در فرآیند خوانش این متن مورد توجه قرار می‌دهد و کنش‌های رفتاری را مخلوق ساختار اجتماعی می‌داند (Hodder, 2004).

اولین مرحله در باستان‌شناسی اجتماعی و بازسازی ساختار اجتماعی، تشخیص اندازه و مقیاس جامعه است. معمولاً باستان‌شناس، یک محوطه مجزا و واحد را کاوش می‌کند؛ اما آن واحد نمی‌تواند از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... مستقل باشد یا خود بخشی از یک زیرمجموعه است و یا این‌که مناطق دیگر نیز مجموعه‌ای از این جامعه است. در مراحل بعد پرسش‌هایی درباره ساختار داخلی جامعه مطرح می‌شود که با پاسخ به این پرسش‌ها اطلاعاتی اساسی در رابطه با ساختار جامعه و وضعیت آن مشخص می‌شود (Renfrew & Bahn, 1991: 15).

مهم‌ترین و متداول‌ترین مدل‌ها و روش‌ها در بازسازی ساختار اجتماعی را می‌توان این‌گونه بیان کرد: ۱- بازسازی ساختار اجتماعی براساس محوطه‌های استقرار و سکونت‌گاه‌ها و بقایای معماری. ۲- بازسازی ساختار اجتماعی براساس اشیاء، ابزار و دست‌ساخته‌های باقی‌مانده. ۳- بازسازی ساختار اجتماعی براساس قبور، شیوه‌های تدفین، محتویات قبور و جنس.

بازسازی ساختار اجتماعی براساس مطالعه، بررسی و استنباط برپایه الگوهای تدفین و محتویات قبور، شیوه‌ای است که تقریباً در تمام مکاتب مطرح در باستان‌شناسی با وجود اختلافات موجود در نوع استنباط به آن توجه دارند (یداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰).

آرامگاه‌ها و قبور افراد، مهم‌ترین منبع اطلاعات مربوط به سازمان اجتماعی دوران پیش‌ازتاریخ و طبقه‌بندی اجتماعی به‌شمار می‌آیند. آیین‌های تدفین، از جمله انجام مراسم خاکسپاری مردگان است و این آیین‌ها نه تنها در وضعیت قرار گرفتن جسد در گور، بلکه در زیورآلات و آثار و اقلام دیگر درون گور نیز دیده می‌شود. آثار و محتویات درون یک گور در هر سطح و میزانی از جمله معیارهای سودمند در تشخیص طبقه‌بندی اجتماعی محسوب می‌شود (فاگان، ۱۳۸۱: ۶۳۸).

در این روش، انسان‌شناسان مشخصه‌های تدفینی همانند اشیائی را که در داخل گورها یا اطراف آن قرار گرفته‌اند، شکل یا اندازه آرامگاه‌ها یا طرح کلی و یا موقعیت گورستان را در نظر می‌گیرند و سپس براساس آن طبقه یا موقعیت اجتماعی افرادی را که به خاک سپرده‌اند را در نظر می‌گیرند؛ بنابراین موقعیت قبور، اشیاء داخل قبور،

آداب قبل از مراسم تدفین و تعداد زیادی از انواع اشیاء تدفینی همگی بر اختلافاتی که در جامعه وجود داشته، دلالت دارد (Pollock, 1999: 206).

در تعیین طبقه و یا رتبه بندی افراد باید به نقش کمیت و کیفیت اشیاء گور نیز توجه کرد و نقش احتمالی آن‌ها را در تعیین سلسله مراتب اجتماعی مورد توجه قرار داد. در این زمینه باید به جنس شیء، فراوانی یا کمیابی ماده ساخت شیء و مدت زمان مصرفی برای ساخت شیء توجه کرد (دارک، ۱۳۷۹: ۱۱۷). «فرانک هول» نیز بر این عقیده است که جایگاه اجتماعی افراد را در اصل براساس اشیائی می‌توان تعیین کرد که به اهمیت فرد یا نقش او در جامعه اشاره دارند (هول، ۱۳۸۵: ۱۸۳). به عقیده «فاکس ووگ» دفن اشیاء دال بر مالکیت آن‌ها بوده، چراکه با دفن آن‌ها، اشیاء از چرخه زندگی خارج می‌شدند؛ بنابراین تصور این‌که تدفین و مسائل آن چشم‌اندازی به جنبه‌های متعدد شخصیت فرد متوفی ارائه می‌دهد، می‌بایست در مطالعه اشیاء تدفینی به کار گرفته شده و پیچیدگی تفسیرهای آنان مورد بررسی قرار گیرد (هول، ۱۳۸۵).

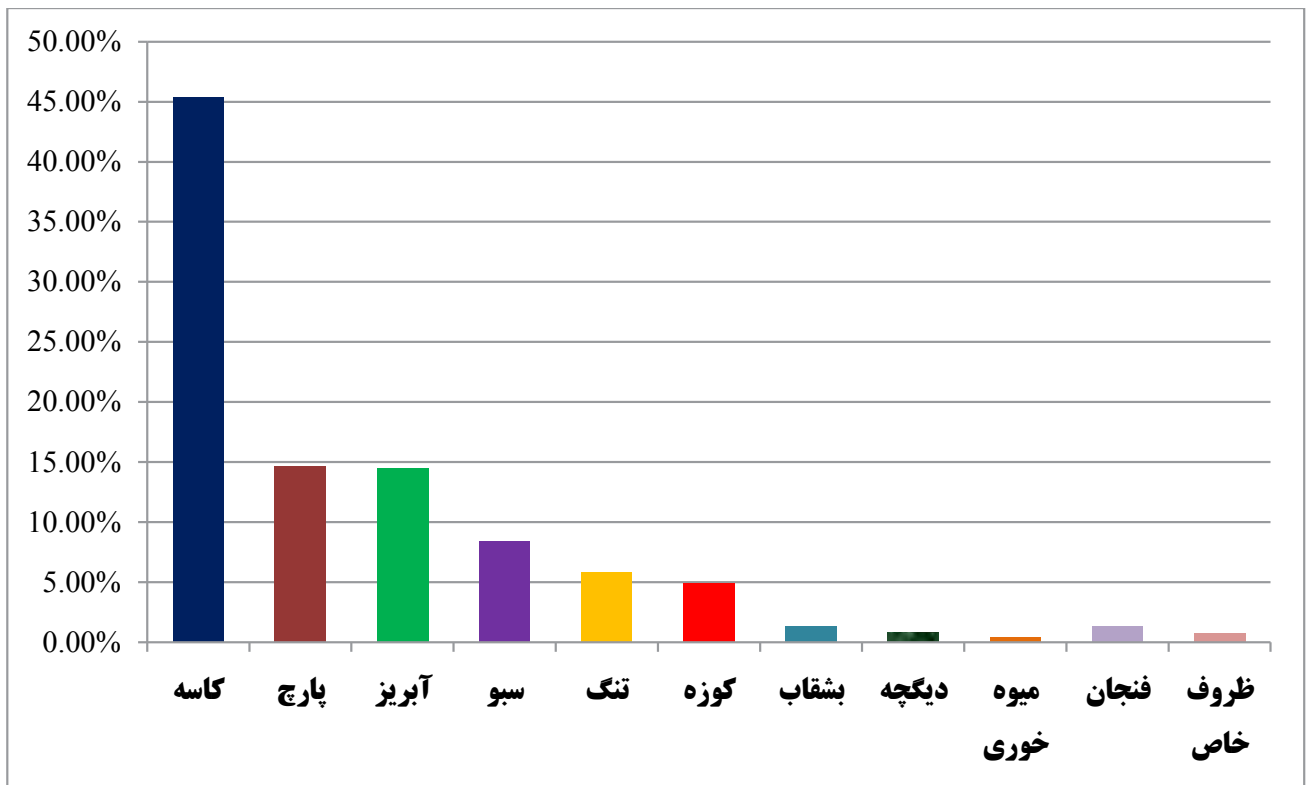
اشیائی که در هنگام تدفین به همراه شخص در قبر وی گذاشته می‌شود، به احتمال زیاد در زمان زندگی شخص در ارتباط با نقش و موقعیت اجتماعی او بوده است (Grant, 2002: 241). این اشیاء ممکن است شامل دارایی‌های فرد متوفی باشد و یا این‌که هدایایی باشند که از طرف سوگواران برای دنیای پس از مرگ و یا جلوگیری از بازگشت مردگان به این جهان تدارک دیده می‌شوند و یا ممکن است براساس ویژگی‌های یک فرد تدارک دیده شده باشند (Pearson, 1999: 7). این احتمال نیز وجود دارد که اشیاء تدفینی بدهی زندگان به مردگان یا هدایایی که زندگان به مردگان پیشکش می‌کردند، باشند. احتمال این‌که این اشیاء پیشکشی برای ایزدان باشد نیز وجود دارد؛ البته این امکان نیز وجود دارد که اشیاء به نحوی موقعیت اجتماعی یا ثروت متوفی را نشان می‌دهد، اما همیشه موقعیت اجتماعی ضرورتاً با ثروت ارتباط ندارد (دارک، ۱۳۷۹: ۱۱۳).

بررسی داده‌های گورستان مسجد کبود

- اشیاء سفالی

به جز قطعه سفال‌های به دست آمده از لایه‌های مختلف این محوطه، در مجموع تعداد ۵۱۱ ظرف سفالی که بیشتر آن‌ها به صورت کامل بوده به همراه تدفین‌ها و از داخل قبور متعلق به عصر آهن شناسایی شده است؛ کاسه‌ها با تعداد ۲۳۳ عدد ۴۵/۴۰٪، ظروف لوله‌دار (آبریز) با تعداد ۷۵ عدد ۱۴/۶۷٪، پارچه‌ها با تعداد ۷۴ عدد ۱۴/۴۸٪، سبوها با تعداد ۴۳ عدد ۸/۴۱٪، تنگ‌ها با تعداد ۳۰ عدد ۵/۷۸٪، بشقاب‌ها با تعداد ۷ عدد ۱/۳۵٪، فنجان‌ها با تعداد ۷ عدد ۱/۳۵٪، ظروف پایه‌دار که «میوه خوری» نیز نامیده می‌شود با تعداد ۲ عدد ۰/۳۹٪، کوزه‌ها با تعداد ۲۵ عدد ۴/۸۹٪ ظروف و دیگرچه‌ها با تعداد ۴ عدد ۰/۷۸٪، ظروف با اشکال خاص با تعداد ۴ عدد ۰/۷۸٪، سفال‌های این محوطه را به خود اختصاص داده است. فرم ظروف سفالی با ظروف هم‌زمان در فلات ایران، از جمله: دینخواه‌تپه (Muscarella, 1989)،

هفتوان تپه (Burney, 1962)، حسنلو (Dayson, 1989)، گوی تپه (Brown, 1951) و کردلر تپه (Lippert, 1979) قابل مقایسه بوده که این شباهت بیانگر ارتباط نزدیک این محوطه با دیگر محوطه‌های همجوار بوده است (هژبری نوبری، ۱۳۸۲-۱۳۷۹).



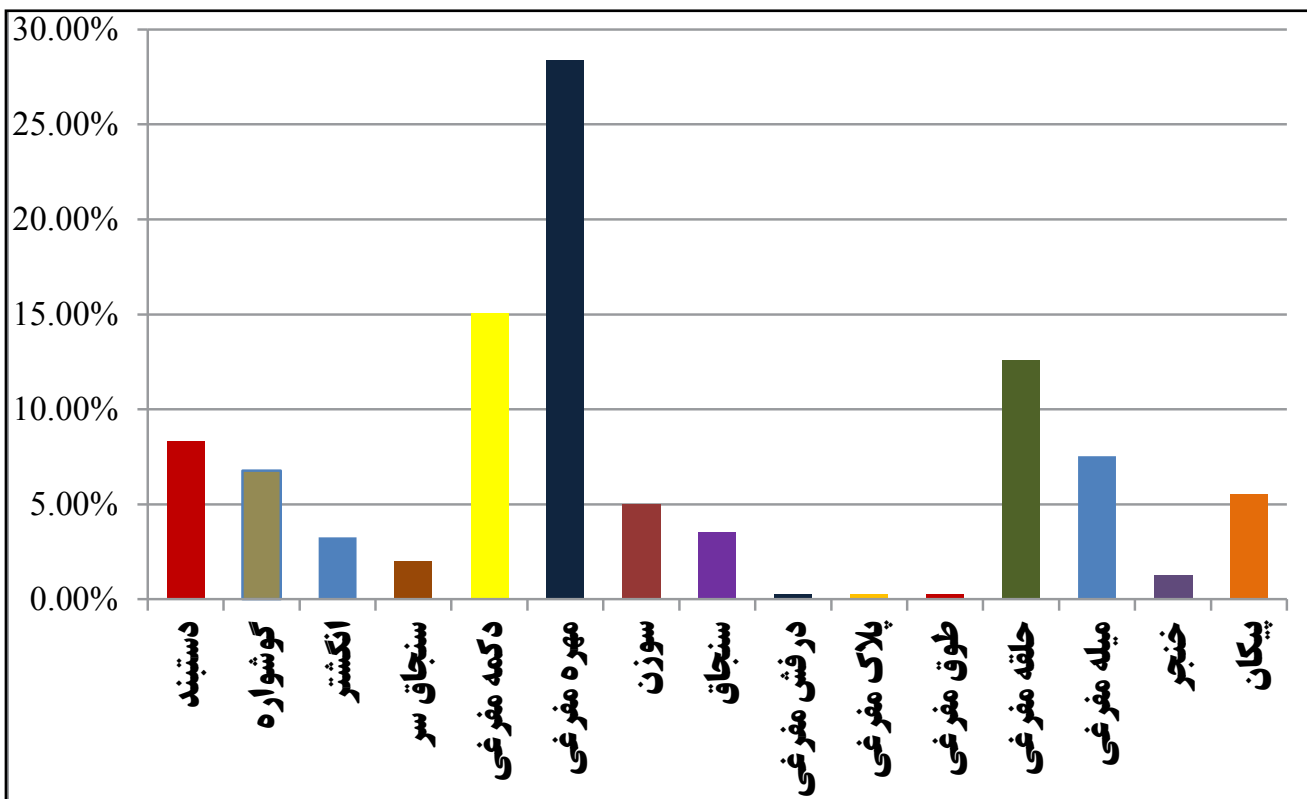
اشیاء فلزی

▲ نمودار ۱. درصد فراوانی ظروف سفالی در قبور گورستان مسجد کبود تبریز (نگارندگان، ۱۳۹۹).

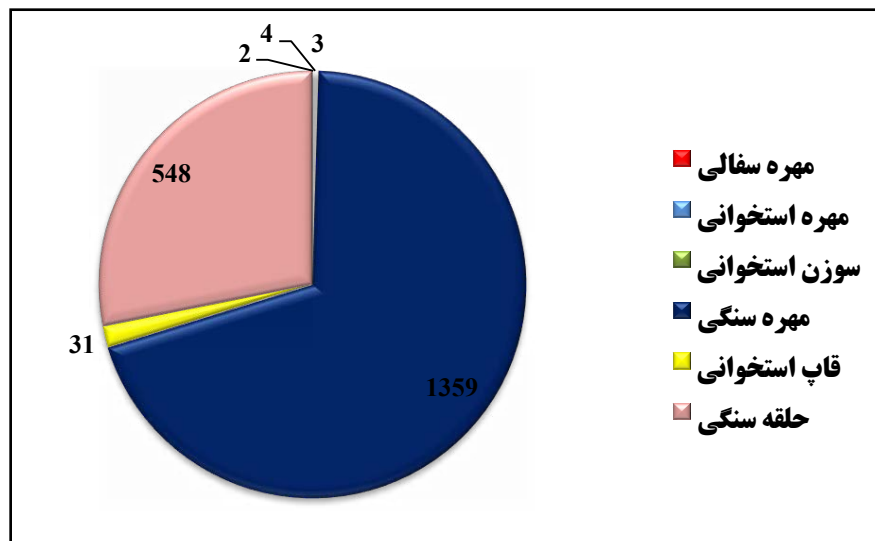
درمیان اشیاء فلزی محوطه مسجد کبود، سنجاق‌های سینه با تعداد ۱۴ عدد (۳/۵۱٪)، میله‌های مفرغی با تعداد ۳۰ عدد (۷/۵۳٪)، سنجاق‌های سر با تعداد ۸ عدد (۲/۰۱٪)، گوشواره‌های مفرغی با تعداد ۲۷ عدد (۶/۷۸٪)، الگوها با تعداد ۳۳ عدد (۸/۲۹٪)، انگشترها با تعداد ۱۳ عدد (۳/۲۶٪)، مهره‌های مفرغی با تعداد ۱۱۳ عدد (۲۸/۳۹٪)، دکمه‌ها با تعداد ۶۰ عدد (۱۵/۰۷٪)، حلقه‌های مفرغی با تعداد ۵۰ عدد (۱۲/۵۶٪) و یک عدد طوق مفرغی، مجموعه زیورآلات قبور مسجد کبود را تشکیل می‌دهند؛ تعداد ۵ خنجر (۱/۲۵٪) و ۲۲ سرپیکان (۵/۵۲٪) اشیاء مفرغی قبور را به خود اختصاص می‌دهد؛ سوزن‌ها با تعداد ۲۰ عدد (۵/۲۵٪) اشیاء مفرغی را شامل می‌شود و یک درفش مفرغی نیز درمیان اشیاء فلزی به دست آمده است. درمیان اشیاء فلزی شناسایی شده از این محوطه، فلزات باارزشی مانند طلا و نقره از این دوره به دست نیامده است (هژبری نوبری، ۱۳۸۲-۱۳۷۹). از اشیاء آهنی به دست آمده در مسجد کبود می‌توان به یک عدد النگوی آهنی، یک مهره آهنی و یک خنجر آهنی اشاره کرد که در گور ۸۰/۲۴ شناسایی شد. یک عدد سرنیزه آهنی نیز از گور ۸۰/۱۸ و دو عدد حلقه کوچک و بزرگ در سال ۱۳۸۱ ه.ش. به دست آمده بود (هژبری نوبری، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰).

- اشیاء غیر فلزی

درمیان اشیاء غیرفلزی این محوطه می‌توان به قاپ‌های استخوانی به تعداد ۳۱ عدد، سوزن استخوانی به تعداد ۳ عدد، مهره سفالی (گور ۸/۸۱) به تعداد ۲ عدد، مهره استخوانی به تعداد ۴ عدد، یک عدد گردن آویز عاجی (گور ۱۸/۸۰)، حلقه‌های سنگی به تعداد ۵۴۸ (گور ۲۱/۸۲) و مهره‌های سنگی (عقیق، لاجورد، خمیر شیشه و...) به تعداد ۱,۳۵۹ عدد اشاره کرد (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۲-۱۳۷۹).



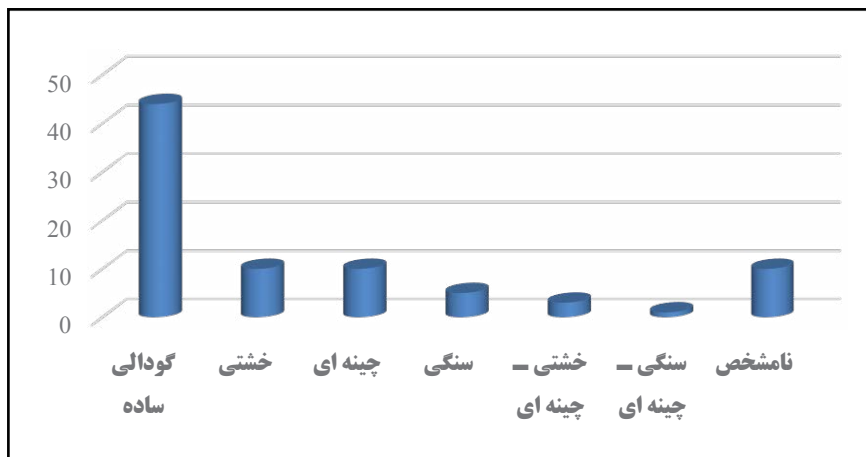
▲ نمودار ۲. درصد فراوانی اشیاء مفرغی در قبور گورستان مسجد کبود تبریز (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► نمودار ۳. درصد فراوانی اشیاء غیرفلزی در قبور گورستان مسجد کبود (نگارندگان، ۱۳۹۹).

سازه قبور و شیوه تدفین قبور مسجد کبود تبریز

محدوده تمام گورهای این گورستان با سنگ‌چین‌هایی (شکل ۴) که با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای ساخته شده، مشخص شده بود که پس از برداشتن این قلوه‌سنگ‌ها محدوده اصلی گور نمایان می‌شد. گورهای محوطه، پوشش مشخصی نداشت. در چهار فصل مورد بررسی در این پژوهش، مجموعاً ۸۵ گور شناسایی شد که از این تعداد ۴۴ مورد از نوع قبور گودالی ساده (شکل ۵)، ۱۰ مورد سازه خشتی، ۱۰ مورد سازه چینه‌گل (شکل ۶)، ۵ مورد سازه سنگی (شکل ۳)، ۳ مورد سازه خشتی-چینه‌ای و یک مورد سازه سنگی-چینه‌ای را دربر دارد. قبور کودکان و نوجوانان بیشتر با خشت و چینه ساخته شده است (هژبری نوبری، ۱۳۸۲-۱۳۷۹). سازه مابقی قبور از آنجایی که در بعضی موارد درون دیوار ترانشه واقع شده و در مواردی در کنار لنز چاه فاضلاب قرار گرفته، مشخص نشده است.



نمودار ۴. سازه قبور در گورستان مسجد کبود تبریز (نگارندگان، ۱۳۹۹). ◀



شکل ۳. گور با سازه سنگی در گورستان مسجد کبود (هژبری نوبری، ۱۳۷۹). ◀

► شکل ۴. محدوده سنگ چین شده روی گور (هژبری نویری، ۱۳۸۲).



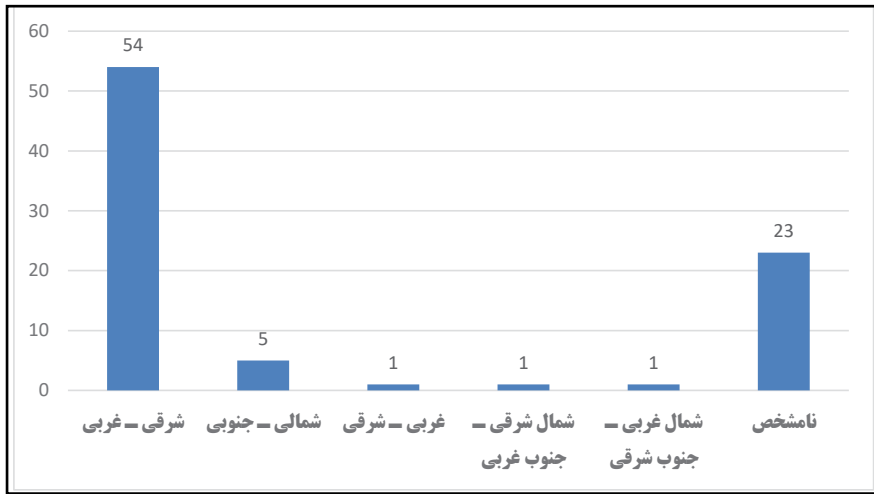
► شکل ۵. گور با سازه گودالی در گورستان مسجد کبود (هژبری نویری، ۱۳۸۲).



▲ شکل ۶. گور با سازه چینه‌ای در گورستان مسجد کبود (هژبری نویری، ۱۳۸۲).

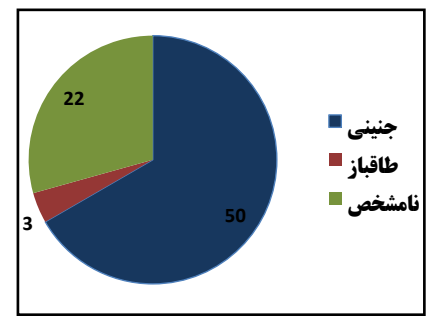
در اکثر قبور گورستان مسجد کبود (گور ۵۴) جهت قرارگیری اسکلت در گور شرقی-غربی است. در یک مورد غربی-شرقی (۷۹/۲۲)، در ۵ مورد جهت شمالی-جنوبی، در یک مورد (۷۹/۵) شمال غربی-جنوب شرقی و در یک مورد (۸۲/۵) شمال شرقی-جنوب غربی مشاهده شده است (هژبری نویری، ۱۳۸۲-۱۳۷۹). شیوه تدفین در ۵۰ قبر گورستان مسجد کبود همانند دیگر محوطه‌های این دوره به صورت جنینی و جمع شده بوده که حالت کلی اجساد یادآور حالت جنینی انسان در داخل رحم مادر است. در ۳ مورد (۷۹/۷، ۷۹/۱۸ و ۸۲/۹) نیز تدفین به صورت طاق باز انجام گرفته و در مابقی قبور نامشخص است.

اجساد به حالت جمع شده به پهلو چپ (۱۳ مورد) و به پهلو راست (۲۱ مورد) دفن شده‌اند. صورت اجساد در ۲۰ تدفین به سمت جنوب، در ۲۱ تدفین به سمت شمال، در ۵ تدفین به سمت غرب، در ۲ تدفین به سمت شرق، در ۲ تدفین به سمت شمال شرقی و در یک مورد نیز به سمت جنوب غربی بوده است (هژبری نوبری، ۱۳۸۲-۱۳۷۹).



نمودار ۵. جهت قرارگیری اجساد در قبور گورستان مسجد کبود تبریز (نگارندگان، ۱۳۹۹).

آنچه که به عنوان ساختار اجتماعی از این گورستان می‌توان متصور شد، شبکه‌ای ارتباطی است که بین اعضای جامعه دفن شده برقرار شده است و اجتماع مدنظر همان بستری است که مواد فرهنگی (اشیاء قبور) در آن خلق شده‌اند. درحقیقت، این اشیاء هستند که بین قبور ارتباط برقرار کرده‌اند و تنها از این طریق است که می‌توان اطلاعاتی را از گذشته آن‌ها استنباط کرد. اولین مسأله در جامعه مذکور بیان «طبقه اجتماعی» دفن‌شدگان است. اشیاء در قبور ذاتاً ماهیتی مالکیتی دارند و تفاوت‌های طبقاتی افراد را نشان می‌دهند، اساس این تفاوت‌ها نیز اقتصاد افراد است که در تدفین با وجود اشیاء زندگی جلوه‌گر می‌شود؛ از بین ۸۵ قبر، قبوری با اشیاء بیش از ۱۵ عدد و در برخی از این قبور بیش از ۳۰ شیء نیز دیده می‌شود که تفاوت در طبقه اجتماعی را نشان می‌دهد؛ در حالی که در برخی از قبور یا شیئی دیده نمی‌شود و یا بسیار کم هستند. در نظریات اقتصادمحور که نظریات مارکسیستی یکی از آن‌هاست، چنین تفاوت‌هایی در مالکیت، اشاره به طبقه بالا و یا پایین اجتماعی فرد دارد. این وضعیت در اکثر قبور این قبرستان مشاهده می‌شود. شاید او فردی ثروتمند یا رئیس طایفه یا گروهی اجتماعی بوده است که این چنین با ارزش و شکوهمند دفن شده است. به لحاظ نمادشناسی نیز می‌توان گفت که اصولاً هر داده باستان‌شناختی که بتوان برای آن در عالم واقع تصویر و مثالی بیان کرد، نمادی از آن شیء یا رویداد است؛ در واقع، خود عمل یا سنت تدفین یک نماد اجتماعی است. هر یک از اشیاء قبور می‌توانند نمادی از حادثه و یا باوری در گذشته باشند و کمیت و کیفیت اشیاء در این مورد بسیار مهم است (دارک، ۱۳۷۹).



نمودار ۶. شیوه تدفین اجساد در قبور گورستان مسجد کبود تبریز (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جدول ۱. تعیین موقعیت اجتماعی افراد قبور براساس درصد فراوانی اشیاء (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	شماره گور	جنسیت	جهت قبر	با شیوه تدفین نوع سازه	تعداد اشیاء هر گور										جمع کل اشیاء هر گور	درصد فراوانی اشیاء هر گور	موقعیت اجتماعی تدفین‌ها		
					کاسه، گوزه و آبخوری	گوشواره، دستبند و انگو	میله و سوزن باقندگی	اشیاء استخوانی	سرنیزه و خنجر	اشیاء سنگی	اشیاء آهنی	سنجاق مفرغی	میله مفرغی	مهرد مفرغی			پایین	متوسط	بالا
۱	۷۹/۱	مؤنث	شرقی-غربی	چینی/سنگی	۷										۹	۰٪/۳۳			
۲	۷۹/۲		شمالی جنوبی	چینه‌ای چینی	۲										۴	۰٪/۱۵			
۳	۷۹/۳		شرقی-غربی	گودالی چینی								۱			۱	۰٪/۰۳			
۴	۷۹/۴	کودک	مضطرب	مضطرب											-	-			
۵	۷۹/۵		شمال غربی-جنوب شرقی	چینه‌ای چینی	۲	۱				۵					۹	۰٪/۳۳			
۶	۷۹/۶		شرقی-غربی	نامشخص											-	-			
۷	۷۹/۷	مؤنث	شرقی-غربی	خشتی/طاق باز	۹					۳		۲	۱	۷	۲۲	۰٪/۱۸۲			
۸	۷۹/۸	مذکر	نامشخص	گودالی	۱۶										۱۶	۰٪/۱۶۰			
۹	۷۹/۹	نوزاد	نامشخص	گودالی											-	-			
۱۰	۷۹/۱۰		نامشخص	گودالی	۱۴										۱۴	۰٪/۱۵۲			
۱۱	۷۹/۱۱		شرقی-غربی	گودالی چینی	۱۲						۱			۱	۱۴	۰٪/۱۵۲			
۱۲	۷۹/۱۲	نوجوان	شرقی-غربی	گودالی چینی	۲						۹			۵	۱۶	۰٪/۱۶۰			
۱۳	۷۹/۱۳	مذکر	شرقی-غربی	گودالی چینی											-	-			
۱۴	۷۹/۱۴	مذکر	شرقی-غربی	سنگی چینی						۵					۵	۰٪/۱۸			
۱۵	۷۹/۱۵		شمالی جنوبی	نامشخص											-	-			
۱۶	۷۹/۱۶		شرقی-غربی	مضطرب	۲	۲									۴	۰٪/۱۵			
۱۷	۷۹/۱۷		نامشخص	گودالی	۱۶					۳				۱	۲۲	۰٪/۱۸۲			
۱۸	۷۹/۱۸		شرقی-غربی	چینه‌ای/طاق باز	۱	۱				۱۴					۱۸	۰٪/۱۶۷			
۱۹	۷۹/۱۹		نامشخص	نامشخص											-	-			
۲۰	۷۹/۲۰	کودک	شرقی-غربی	گودالی چینی											-	-			
۲۱	۷۹/۲۱		نامشخص	خشتی	۴										۴	۰٪/۱۵			
۲۲	۷۹/۲۲		غربی شرقی	خشتی	۲۰					۱					۲۲	۰٪/۱۸۲			
۲۳	۷۹/۲۳	نوزاد	نامشخص	گودالی											-	-			
۲۴	۷۹/۲۴	نوجوان	نامشخص	چینه‌ای چینی	۲										۲	۰٪/۰۷			
۲۵	۸۰/۱	نوزاد	نامشخص	گودالی		۱									۱	۰٪/۰۳			
۲۶	۸۰/۲		شرقی-غربی	سنگی	۱۲					۲				۳	۲۰	۰٪/۴۵			
۲۷	۸۰/۳		شرقی-غربی	گودالی چینی	۳										۳	۰٪/۱۱			
۲۸	۸۰/۴		شرقی-غربی	نامشخص	۷										۷	۰٪/۲۶			
۲۹	۸۰/۵		نامشخص	نامشخص	۱										۱	۰٪/۳۰			
۳۰	۸۰/۶		نامشخص	خشتی											-	-			
۳۱	۸۰/۷		شرقی-غربی	گودالی چینی	۶					۱۰				۲	۱۹	۰٪/۷۱			
۳۲	۸۰/۸		شرقی-غربی	چینه‌ای چینی	۱					۲					۴	۰٪/۱۵			
۳۳	۸۰/۹	مؤنث	شرقی-غربی	گودالی	۳	۱								۱	۶	۰٪/۲۲			
۳۴	۸۰/۱۰		شرقی-غربی	چینه‌ای چینی	۳										۳	۰٪/۱۱			
۳۵	۸۰/۱۱	مذکر	شرقی-غربی	خشتی	۳										۳	۰٪/۱۱			
۳۶	۸۰/۱۲		شرقی-غربی	گودالی	۱۴										۱۴	۰٪/۱۵۲			
۳۷	۸۰/۱۳	مؤنث	شرقی-غربی	چینه‌ای-خشتی	۱۴	۳				۵					۲۴	۰٪/۹۰			
۳۸	۸۰/۱۴	مؤنث	شرقی-غربی	گودالی چینی	۶	۳				۳					۱۲	۰٪/۴۵			
۳۹	۸۰/۱۵		شرقی-غربی	گودالی	۵										۵	۰٪/۱۸			
۴۰	۸۰/۱۶		نامشخص	خشت و چینه	۱۰										۱۰	۰٪/۳۷			
۴۱	۸۰/۱۷	کودک		خشتی	۶	۳				۲۲				۱۳	۴۴	۱٪/۶۵			
۴۲	۸۰/۱۸	مذکر	شرقی-غربی	گودالی چینی	۳					۱۹		۱			۲۴	۰٪/۹۰			
۴۳	۸۰/۱۹	مؤنث	شرقی-غربی	خشتی چینی	۱۱	۲								۲	۲۳	۰٪/۱۸۶			
۴۴	۸۰/۲۰		نامشخص	نامشخص	۵										۵	۰٪/۱۸			

و کیفیت اشیاء داخل قبر می‌توان گفت به افرادی دارای جایگاه ویژه‌ای تعلق دارد.

در میان قبور خشتی و چینه‌ای نیز قبوری با ابعاد زیاد با اشیاء تدفینی متعدد به چشم می‌خورد؛ هم‌چنین قبوری با سازه خشتی یا چینه‌ای نیز مشاهده شده است که در آن به همراه شخص هیچ‌گونه شیء تدفینی درون قبر قرار نگرفته یا تعداد اشیائی که به‌عنوان هدایای تدفینی به‌دست آمده زیاد نبوده است. در مورد قبوری با این شرایط شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که اطرافیان شخص برای جبران کمبود و یا فقدان اشیاء تدفینی، قبر این اشخاص را با استفاده از مصالح خشت یا چینه می‌ساختند و ابعاد بعضی قبور را بزرگ‌تر در نظر می‌گرفتند (مختاری‌پور، ۱۳۹۴: ۱۹۴). در گورستان مسجد کبود زنان نیز همانند مردان امتیاز برابری را براساس کمیت و کیفیت اشیاء تدفینی داشتند؛ بنابراین با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که در آن زنان مانند مردان دارای امتیاز اجتماعی و شاید بالاتر از مردان بوده‌اند؛ زیرا براساس نوع و تعداد اشیاء به‌دست آمده از قبور زنان، از جمله: زیورآلات در بعضی از قبور محوطه به مراتب غنی‌تر از قبور مردان بود. در برخی موارد در قبور زنان (گور ۸۲/۹ و ۸۲/۱۱) همانند مردان خنجر و پیکان مفرغی مشاهده شده که این مسأله شاید بیانگر نقش این افراد در جامعه و یا جایگاه ویژه این افراد نسبت به سایرین باشد که به‌منظور محافظت از آن‌ها این اشیاء را در قبورشان نهاده‌اند. کودکان و نوزادان در این محوطه این امتیاز را داشتند که همانند بزرگسالان به‌همراه اشیاء دفن گردند؛ هر چند تعداد اشیاء داخل قبورشان نسبت به بزرگسالان به‌مراتب محدودتر بود. با توجه به تدفین کودکان در قبوری با اشیاء غنی و باارزش می‌توان گفت آن‌ها در خانواده‌های متعلق به طبقات بالای جامعه به دنیا آمده‌اند.

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، در این گورستان آن‌چه که قبری را از دیگر قبور متمایز می‌کند تعداد و ارزش اشیاء موجود در قبر است که نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی و قدرت تهیه این اشیاء توسط اطرافیان شخص است. مهم‌ترین روشی که برای بررسی جایگاه اجتماعی افراد براساس تدفین در گورستان مسجد کبود تبریز می‌توان به‌کار گرفت، در نظر گرفتن کمیت و کیفیت اشیاء تدفینی است.

موقعیت اجتماعی افراد، اغلب براساس اشیاء داخل قبور مشخص می‌شود؛ به این طریق که تدفین‌هایی که از حیث اشیاء غنی باشد، معمولاً به‌عنوان قبور افراد ثروتمند و با پایگاه اجتماعی برتر در نظر گرفته می‌شوند. گاهی اوقات مدارک بیشتری علاوه بر تدفین، این موضوع را ثابت می‌کند، از جمله: ارزش مواد و اشیاء کاربردی و ارتباط نمادین که عامل مهم انتخاب آن شیء خاص بوده است (یداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰). اشیاء تدفینی همراه با فرد ممکن است یا دارایی خود فرد باشد که بعد از مرگ به همراهش در گور گذاشته شده و یا هدایایی بوده که اطرافیان فرد و عزاداران به او هدیه می‌کردند. با بررسی اشیاء تدفینی در قبور مسجد کبود و هم‌چنین مشاهده اشیاء تزئینی و ظروف سفالی در تعداد مختلف در قبور کودکان به نظر نمی‌رسد این اشیاء بدهی زندگان به افراد مرده باشد؛ زیرا در مورد کودکان و نوزادان این احتمال

صدق نمی‌کند و به احتمال زیاد دارایی خود شخص بوده که پس از مرگ وی به همراه او دفن می‌شده است.

اطلاعاتی مانند: جنس و نوع اشیاء تدفینی، میزان مرغوبیت آن، مواد به‌کار رفته و مقدار انرژی مصرف شده برای ساخت اشیاء، استفاده از اشیاء زینتی و وارداتی، از جمله مواردی است که قابل تأمل است. این مسأله می‌تواند بیانگر وجود افرادی در جامعه باشد که با داشتن موقعیت ویژه‌ای توانایی آن‌را داشتند که با پرداخت هزینه‌های زیاد و به‌کارگیری دیگر افراد کالاهای تزئینی را از نقاط دوردست برای خود فراهم کنند.

جنس بسیاری از مهره‌های تزئینی به دست آمده از قبور نشان می‌دهد که این محصولات محلی نبوده و از مسافت‌های دوردست تهیه شده‌اند. این اشیاء که جنبه تجملاتی داشته‌اند، نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی و اجتماعی صاحب آن است که در آن زمان از جایگاه خاصی در جامعه برخوردار بوده و با در اختیار داشتن قدرت و ثروت توانایی تهیه چنین کالاهایی را از دیگر نقاط داشتند.

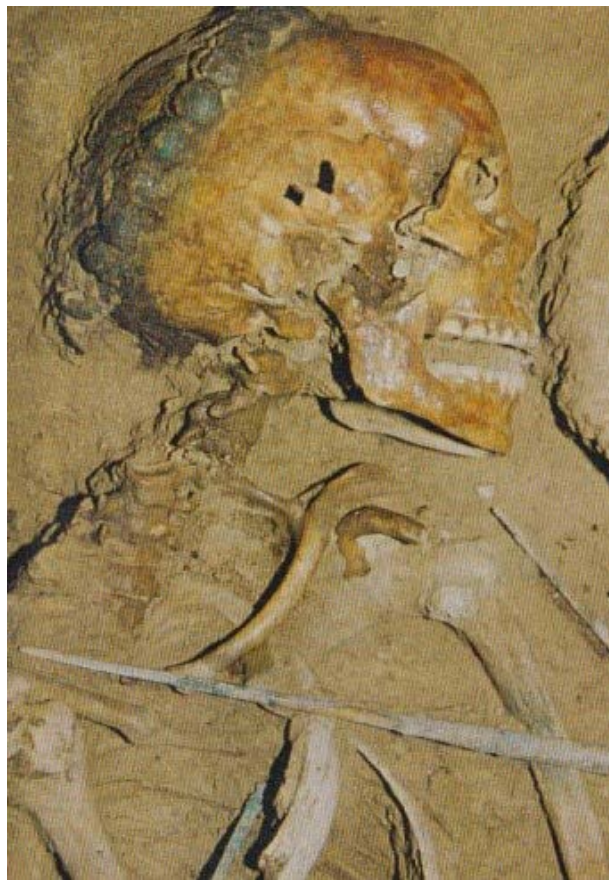
در برخی از قبور اشیاء سنگی یا سفالی نسبت به دیگر قبور درصد بیشتری را دارند و این به رتبه‌بندی قبور کمک می‌کند. در قبوری که اشیاء سفالی زیاد است، اشیاء غیر سفالی مشاهده نمی‌شود؛ احتمالاً فراوانی غیرعادی یک شیء در این قبور دلالت بر کارکرد ویژه آن شیء برای متوفی است و یا شاید اشاره به جایگاه مذهبی خاص متوفی دارد. در قبوری که اشیاء سنگی (سنگ‌های نیمه‌قیمتی) وجود دارد، اشیاء غیرسنگی حضور ندارند و یا خیلی کم هستند، در اینجا نیز می‌توان اهمیت این نوع شیء را برای متوفی مطرح نمود؛ شاید او تاجر این اشیاء بوده و یا در حالتی دیگر پیش‌گو بودن و یا ساحر بودن فرد مدنظر بوده باشد. نمونه دیگر از این نوع اشیاء، مهره مفرغی است که در بین قبور این گورستان امری نامتعارف است. این شیء نیز می‌تواند در ارتباط با رتبه و جایگاه فرد متوفی باشد. فراوانی اشیاء خاص را می‌توان در مورد اشیاء استخوانی نیز مشاهده کرد. جالب است که این قبور نیز اشیاء غیر استخوانی ندارد. اشیاء با فراوانی زیاد در قبور محدودی دیده می‌شود که با موقعیت اجتماعی آن‌ها که در جدول ۱، به صورت درصد نشان داده شده‌اند، همخوانی دارد. در جدول فوق، موقعیت اجتماعی افراد براساس درصد اشیاء درون گورها به‌طور کلی به سه دسته تقسیم شده‌اند که با توجه به پراکندگی اشیاء در قبور مختلف، به سه درجه موقعیت بالا (با بیش از ۳۰ شیء تدفینی)، موقعیت متوسط (۱۵ تا ۳۰ شیء تدفینی) و موقعیت پایین (کمتر از ۱۵ شیء و یا بدون هیچ‌گونه شیئی) تقسیم‌بندی شده‌اند.

نتیجه‌گیری

تعیین موقعیت اجتماعی افراد در جوامع گذشته، به صورت درصد و آمار، شاید موقعیت و طبقه اجتماعی واقعی افراد را بیان نکند، اما می‌تواند به‌طور نسبی به این امر اشاره داشته باشد. با توجه به این‌که ملاک نگارندگان در این مورد فراوانی و نوع اشیائی است که در قبور قرار داده شده‌اند؛ آن‌چه مسلم است، این‌که موقعیت

افراد مدفون در گورستان مسجد کبود یکسان نیست؛ این را کمیت و کیفیت اشیاء قبور بیان می‌کنند. فراوانی اشیاء خاص در این مورد به روشن کردن بیشتر مسأله کمک می‌کنند. حرفه‌ها و مشاغل مانند: تجارت، رهبر مذهبی جامعه و رهبر نظامی در قبور با اشیاء ویژه مربوط به این مشاغل نشان داده شده‌اند؛ سرنیزه‌ها، سنگ‌های نیمه‌قیمتی تجاری و صادراتی و ظروف سفالی (در تعداد زیاد) در ارتباط با این مشاغل تبیین می‌شوند. با بررسی قبور این محوطه به نظر می‌رسد در جامعه متعلق به این گورستان طبقات اجتماعی متفاوتی وجود داشته باشد. با در نظر گرفتن موارد گفته شده طبقاتی که برای جامعه مسجد کبود می‌توان در نظر گرفت، به شرح ذیل است.

۱- افرادی که با توجه به کیفیت اشیاء همراهشان بی‌شک به طبقه بالایی جامعه تعلق داشتند، در قبور این افراد علاوه بر ظروف سفالی برای استفاده روزمره، انواع اشیاء تزئینی شامل: انگشتر، النگو، گوشواره و حلقه‌های مفرغی شناسایی شد. آن چه که در قبور این افراد جالب توجه بود، دکمه‌های مفرغی در اطراف پیشانی اشخاص بود که به هم متصل شده و سربند (تاج) مفرغی را تشکیل داده است (شکل ۷ و ۸). با توجه به این تزئینات منحصر به فرد می‌توان گفت صاحب قبر از جایگاه ویژه‌ای نسبت به دیگران برخوردار است. مسأله مهم دیگری که در مورد این قبور مشاهده شد عمق زیاد قبور و سازه تدفین آن است؛ نمونه بارز آن قبر شماره ۸۱/۸ بود.



► شکل ۷. قرارگیری سربند مفرغی در اطراف سر شخص در گور ۸۱/۸ (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۱).



شکل ۸. قرارگیری سرپند مفرغی در اطراف سر شخص در گور ۸۲/۱۲ (هژبری نویری، ۱۳۸۲).

۲- قبور زنانی که برخلاف دیگر افراد به همراه شخص خنجر و یا سرپیکان در قبورشان گذاشته شده است. این مسأله را این‌گونه می‌توان بیان کرد که شخص مدفون در این قبر همانند مردان در جنگاوری یا شکار نقش داشته و یا به دلیل جایگاهی که در جامعه داشته این ابزار به منظور محافظت از او بوده‌اند. قبور ۸۲/۹ و ۸۲/۱۱ به زنانی تعلق داشت که همراهشان خنجر و پیکان مفرغی دیده شده است.

۳- افرادی که به درجه‌ای از رفاه اقتصادی رسیده‌اند که همراه مردگان خود انواع زیورآلات و اشیاء مفرغی را دفن کرده و برای رفع نیازهای مادی فرد نیز علاوه بر اشیاء زینتی، ظروف سفالی و در بعضی موارد گوشت حیوانات را در قبر فرد متوفی قرار داده‌اند؛ البته قرار دادن گوشت حیوانات در قبور افراد می‌تواند نشانگر اهمیت این حیوانات در جامعه آن روز باشد و جنبه تقدس داشته باشد.

۴- افرادی که در قبورشان فقط ظروف سفالی مشاهده شده و هیچ‌گونه شیء فلزی (مفرغی یا آهنی) به چشم نمی‌خورد؛ با در نظر گرفتن این مسأله که جامعه مورد نظر متعلق به عصر آهن بوده و استفاده از فلز مفرغ و تا حدودی آهن در این دوره گسترده شده است، می‌توان گفت این افراد در سطح پایین تری قرار داشته و امکان استفاده از زیورآلات و اشیاء مفرغی برایشان فراهم نبوده است. این افراد برای جبران کاستی و فقر اقتصادی فرد متوفی از تعداد بیشتری ظروف سفالی به جای

اشیاء مفرغی استفاده کرده و در مواردی سازه قبر شخص را با چینه یا خشت ساخته‌اند.

۵- گروه دیگر افرادی بودند که علاوه بر ظروف سفالی و اشیاء مفرغی زینتی امتیاز به همراه داشتن مهره‌های سنگی را داشتند. این اشیاء که جنبه تجملاتی داشتند، نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی و اجتماعی (شکل ۹) صاحب آن است که در آن زمان از جایگاه خاصی در جامعه برخوردار بوده و با در اختیار داشتن قدرت و ثروت توانایی تهیه چنین کالاهایی را داشتند.

► شکل ۹. تدفین شخص با مهره‌های سنگی (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۰).



▲ شکل ۱۰. تدفین با سازه سنگی بدون هیچ شیء سفالی در گور ۷۹/۱۴ (هژبری‌نوبری، ۱۳۷۹).

۶- افرادی که علاوه بر اشیاء زینتی شخصی و ظروف سفالی امتیاز به همراه بردن اشیاء غیر زینتی و ابزار کار (خنجر و پیکان) خود را نیز داشتند. شاید بتوان گفت این افراد جنگاور یا شکارورز بودند؛ البته با توجه به حضور جنگ افزارها در قبور این افراد شاید بتوان گفت این ابزار به منظور محافظت از شخص با وی دفن شده است.

۷- افرادی که بدون هیچ‌گونه اشیاء زینتی و ظروف سفالی دفن شده و فقط ابزاری مانند خنجر و سرپیکان در کنار او مشاهده شده است. این گونه افراد به احتمال زیاد جنگاور یا شکارورز بوده و شاید اعتقاد اطرافیان وی بر این بوده که شخص از آنجایی که جنگاور بوده نیاز به ظروف سفالی و یا مواد غذایی برای خوردن نداشته و توانایی برطرف کردن نیازهای خود از طریق شکار را داشته است. نمونه شاخص این گونه قبور، قبر شماره ۷۹/۱۴ با سازه سنگی نعل‌اسبی شکل بوده که شخص مدفون در این قبر بدون هیچ ظرفی و با تعداد چهار سرپیکان و یک خنجر دفن شده است (شکل ۱۰). شاید بتوان گفت شخص مدفون در این قبر جایگاه ویژه‌ای در جامعه داشته که سازه قبر وی متفاوت با دیگر افراد بوده و ابزار همراه با او نشان‌دهنده موقعیت خاص اوست.

۸- افرادی که در قبورشان هم داده‌های سفالی و هم اشیاء مفرغی تزئینی مشاهده شده است؛ می‌توان گفت این قبور به طبقه متوسط جامعه تعلق دارد که امکان به همراه داشتن تعدادی ظروف سفالی، تعدادی اشیاء مفرغی را نیز داشته‌اند؛ بنابراین، هرچند بررسی طبقات اجتماعی موجود در جوامع یک دوره براساس داده‌های به دست آمده از یک گورستان یا یک محوطه کارآسانی نیست، ولی با توجه به شباهت‌هایی که بین محوطه‌های بررسی شده این دوره وجود دارد، می‌توان گفت طبقاتی را که برای یک جامعه در نظر می‌گیریم تا حدودی قابل تعمیم به دیگر جوامع نیز هست.

جامعه مورد مطالعه به شدت تحت تأثیر مسائل مذهبی است؛ برای مثال، گوشت حیوانات که در گورها به دست آمده است، بیانگر اهمیت حیوانات در باورهای مذهبی جامعه است. در این دوره، دفن مردگان آن‌هم به صورت نزدیک به هم به عنوان یک هنجار و اصل اجتماعی مورد پذیرش همگان قرار گرفته است. احترام به قبرستان‌ها به عنوان نماد احترام به ارواح مردگان و نیاکان است و به نوعی روح افراد قبيله در آن متبلور است.

پی‌نوشت

1. Social Structure
2. Brown

۳. در این مقاله هرگاه از لفظ چینه یا چینه‌ای استفاده شده، چینه گلی مدنظر بوده است.

کتابنامه

- آجورلو، بهرام، ۱۳۸۲، «مقدمه‌ای بر پیدایش باستان‌شناسی اجتماعی». باستان‌پژوهی، سال ۵، شماره ۱۱، صص: ۱۷-۲۰.
- دارک، کن. آر، ۱۳۷۹، مبانی نظری باستان‌شناسی. ترجمه کامیار عبدی، تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
- سوین، ولی، ۱۳۸۸، راهنمای روش کاوش باستان‌شناسی. ترجمه بهرام آجورلو، نشر سیمای دانش.
- شیفر، مایکل، ۱۳۸۵، «ساختار نظریه‌های باستان‌شناسی». ترجمه کامیار عبدی، باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۲۱، شماره ۲۸، صص: ۵-۲۹.
- طلائی، حسن، ۱۳۸۷، عصر آهن ایران. تهران: سمت.
- فاگان، بریانی، ۱۳۸۱، سرآغاز؛ درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روش‌ها). ترجمه غلامعلی شاملو، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- گرین، کوین، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی. ترجمه فرهنگ خادمی‌ندوشن و فروزنده جعفرزاده‌پور، تهران: نشر دانشگاه تربیت مدرس.
- مختاری‌پور، فاطمه، ۱۳۹۴، «تحلیل الگوهای تدفین در شمال و شمال غرب ایران به منظور بررسی طبقات اجتماعی عصر آهن این مناطق براساس مطالعه موردی گورستان مسجد کبود تبریز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، (منتشر نشده).

- ملازاده، کاظم، ۱۳۹۴، «تأثیر کاربرد ساخته‌های آهنی در پیشرفت تکنولوژی و تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع عصر آهن پایانی (با تأکید بر غرب و شمال غرب ایران)». جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۱، صص: ۲۰۵-۲۲۵.
- هژبری‌نوبری، علیرضا؛ و صالحی گروسی، مهناز، ۱۳۸۴، «هنر سفالگری عصر آهن در گورستان مسجد کبود تبریز». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، شماره ۱، صص: ۳۸-۳۰.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، ۱۳۷۹، «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز». سازمان میراث فرهنگی و مرکز تحقیقات باستان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- هژبری‌نوبری، علیرضا، ۱۳۸۰، «گزارش سومین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز». پژوهش مشترک دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و سازمان میراث فرهنگی کشور، (منتشر نشده).
- هژبری‌نوبری، علیرضا، ۱۳۸۱، «گزارش چهارمین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز». پژوهش مشترک دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و سازمان میراث فرهنگی کشور، (منتشر نشده).
- هژبری‌نوبری، علیرضا، ۱۳۸۲، «گزارش پنجمین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز». پژوهش مشترک دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و سازمان میراث فرهنگی کشور، (منتشر نشده).
- هول، فرانک، ۱۳۸۵، باستان‌شناسی غرب ایران. ترجمه زهرا بایستی، تهران: نشر سمت.
- یداللهی، سیما، ۱۳۸۳، «باستان‌شناسی اجتماعی؛ نگاهی به شیوه‌های بازسازی». مجله باستان‌پژوهی، شماره ۱۲، صص: ۲۵-۱۶.

- Brown, T. B., 1951, *Excavation in Azerbaijan, 1948*. John Murraray, London.
- Burney, C., 1962, "The Excavation at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1961, Second Preliminary Report". *Iraq*, Vol. XXIV, No. 2, Pp: 134-151.
- Danti, M. D., 2013, "The Late Bronze and Early Iron Age in North western Iran". In: Daniel T. Potts, Ed. *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, New York: Oxford University Press, Pp: 327-376.
- Dyson, R. H., 1989, "Rediscovering Hasanlu". *Expedition*, Vol. 31, Nos 2-3, Pp: 3-127.
- Dyson, R. H., 1989. "The Iron Age Architecture at Hasanlu: An Essay". *Expedition* 31, Nos, 2-3, Pp: 107-127.
- Grant, J.; Gorin, S. & Feleming, N., 2002, *The Archaeology Coursebook*. Routledge, London.
- Hodder, I., 2004, *The post processual reaction in: theory and practice in archaeology*. Published by Taylor and francis e-library.

- Lippert, A., 1979, "Die Osterrichischen Ausgrabunyen Am Kordlar Tepe In Persisch West Aserbeidschan (1971-1978)". *AMI*, Band 12, Pp: 104 -137.
- Muscarella, O. W., 1974, "The Iron Age At Dinkha Tepe, Iran". *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, Vol. 9, Pp: 35-90.
- Muscarella, O. W., 1989, "Excavation at Dinkha Tepe, 1966". *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, Vol. 27, No. 3, Pp: 187-196.
- Parker P. M., 1999, *The archaeology of death and burial*. Texas University, press college station.
- Pollock, S., 1999, *Ancient Mesopotamia: The Eden that never was*. Cambridge University Press.
- Redman, C., 1978, "Multivariate Artifact Analysis: A Basis for Multidimensional Interpretations". In: C. Redman et al, eds., *Social Archaeology: Beyond Subsistence and Dating*, Pp: 159-192, New York: Academic Press.
- Renfrew, C. & Bahn, P., 1991, *Archaeology and Theories Methods Practice*. Thames and Hodson London.
- Shanks, M. & Christopher, T., 1987, *Re- constructing Archaeology: Theory & Practice*. Cambridge University Press.
- Trigger, B. C., 2007, "Cultural comparision and archaeological theory, in: a companition to social archaeology". Ede by: Lynn meskell and Robert W. Preucel, *Black well publishing*, Pp: 46-59.
- Young, T. C. Jr., 1965, "A Camparative Ceramic Chronology For Western Iran, 1500-500 B.C". *Iran*, No. 3, Pp: 53-86.